



Analyzing the Use of Quranic Verses and Hadiths in *Hariri's Maqāmāt*

Sadegh Hashemi Amjad



(Corresponding Author), Ph.D. Student, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Theology and Islamic Studies, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran

Email: s.amjad0936@gmail.com

Dr. Mahdi Khorrami Sarhouzaki, Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Theology and Islamic Studies, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran

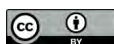
Dr. Hasan Majidi, Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Theology and Islamic Studies, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran

Dr. Sayyed Mahdi Nouri Keyzaghani, Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Theology and Islamic Studies, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran

Abstract

Reflecting the words and contents of the Quranic verses in different ways has always adorned literary scholars' works. Artistically and rhetorically, these methods are not on the same level; in other words, understanding their valuable contents is sometimes explicit and sometimes implicit. As the *Zāhiriyyah* sect has long been known, it is possible to understand explicit concepts through a superficial familiarity with the verses and narrations. Still, perceiving the implicit intentions is only attainable for those accustomed to the sciences and literature of the Quran and hadith before acquiring expertise in literary devices and figures of speech and have spent their lives on this path. *Hariri's Maqāmāt* (collection) is one of the works which deserves attention and investigation from this perspective. The importance of this study is due to the prevalence of the Quranic contents in *Maqāmāt* from the fifth century, *Hariri's* familiarity with religious texts, and his attention to ethical issues. *Hariri* has been affected by the Quran in both literal and semantic ways. This influence in *Hariri's Maqāmāt* is mostly in forms of the allusion, comparative effect, the lexical impact through various types of borrowing and outcoming, inspirational-fundamental effect, and report effect.

Keywords: Verses of the Quran, Hadiths, *Hariri's Maqāmāt*



©2025 The author(s). This is an open access article distributed under [Creative Commons Attribution](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)

[4.0 International License \(CC BY 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).



واکاوی کاربرد آیات قرآنی و احادیث

در مقامات حریری

صادق هاشمی امجد (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

Email: s.amjad0936@gmail.com

دکتر مهدی خرمی سرحوضکی

دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

دکتر حسن مجیدی

دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

دکتر سیدمهدی نوری کیذقانی

دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

چکیده

بازتاب الفاظ و مفاهیم آیات قرآن و احادیث به شیوه‌های مختلف همواره زینت بخش آثار اهل علم و ادب بوده است. این شیوه‌ها از منظر هنری و بلاغی در یک سطح نیستند؛ یعنی پی‌بردن به محتوای ارزشمند آن‌ها، گاه آشکار و گاه پنهان است. دستیابی به مفاهیم آشکار به صرف آشنایی ظاهری با آیات و روایات میسر است، چنان‌که از قدیم فرقه ظاهریه به همین شهرت یافته‌اند. لکن دریافت اغراض پنهان از عهده کسانی بر می‌آید که پیش از مهارت در انواع فنون و صناعات ادبی، با علوم و ادبیات قرآن و حدیث انس داشته و عمر خود را در پیچ‌وخم این راه سپری کرده‌اند. مقامات حریری از جمله آثاری است که از این منظر درخور توجه و بررسی است. رواج مفاهیم قرآنی در مقامات، از قرن پنجم به بعد و انس و الفت حریری با متون دینی و توجه وی به نکات اخلاقی اهمیت ویژه‌ای به این واکاوی می‌بخشد. حریری به دو شیوه لفظی و معنوی از قرآن کریم تأثیر پذیرفته است. این اثرپذیری در مقامات حریری بیشتر به شکل تلمیح، تأثیر تطبیقی، تأثیر واژگانی در انواع وام‌گیری و برابندسازی، تأثیر الهامی بنیادی و تأثیر گزارشی صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: آیات قرآن، احادیث، مقامات حریری.

مقدمه

اقتباس، یعنی نویسنده یا شاعر در ضمن کلام و شعر خویش آیه و حدیثی بیاورد و به گونه‌ای نشان دهد که مأخذ گفتارش کجاست،^۱ به طوری که معلوم باشد قصد «اقتباس» است، نه سرقت و انتحال.^۲ در واکاوی متون، کمتر متنی را می‌توان یافت که از عبارات و مضامین آثار پیش یا هم‌زمان خود تأثیر پذیرفته باشد. نظریه‌پردازان معاصر، متن‌های ادبی و غیرادبی را دارای معنای مستقل نمی‌دانند.^۳ «فوکو» درباره تأثیر و تأثر متون از یکدیگر می‌گوید: «مرزهای یک کتاب به طور کافی مشخص نمی‌شوند. در پس عنوان، سطرهای آغازین، واژه‌های فرجامین، ساختار درونی و شکل و ظاهر کتاب که به آن استقلال نسبی می‌بخشند، منظومه‌ای از ارجاعات وجود دارند که به متون دیگر حواله می‌دهند و این مسئله، آن کتاب را به گرهی در درون شبکه‌ای وسیع و جزئی از یک کل فراگیرتر بدل می‌کند.»^۴ در عرصه فرهنگ اسلامی ریشه همه دانش‌ها به کلام وحی الهی باز می‌گردد.^۵ ادیبان همواره از طریق آمیزش کلمات آثار خویش با کلمات نورانی قرآن و حدیث، خلق هنری خود را ارزشی دوچندان بخشیده‌اند. بهره‌گیری از آیات و احادیث در سخن ادیبان از قرن چهارم تا نیمه نخست سده پنجم در حد انتقال معنای سخن مفید بوده، اما از نیمه نخست سده پنجم به بعد، توجه به معارف اسلامی تحولاتی را در نظم و نثر به وجود آورد که یکی از برجسته‌ترین این تغییرات، استفاده از آیات قرآنی در حوزه معنایی و آرایش کلام در حدی متعارف و تهی از تکلف است.^۶ در آغاز قرن ششم هجری قمری، اقتباس از آیات و احادیث در اقسام مختلف نثر راه یافت، گرچه برخی نویسندگان در این راه به حدی افراط کردند که گاه معانی و عبارات متونشان تنها برای پیوستن به ترکیبات عربی به رشته کلام ابداع می‌شد.^۷ پژوهش در ابعاد گوناگون اثرپذیری متون ادبی از آیات قرآنی و احادیث، از مباحث مهم مطالعات تطبیقی و نقد ادبی است که از آن تحت عنوان پژوهش در منابع الهام آثار ادبی یاد می‌کنند. اصلی‌ترین تأثیر آیات و احادیث بر ادبیات عربی را باید در دو حوزه لغت و محتوا جست‌وجو کرد. ادیبان با رویکرد ادبی، آیات قرآن را برای زیبایی بیشتر متون خود به کار می‌برند و از این رهگذر به بلاغت متون خود می‌افزایند. حریری از آن دسته نویسندگانی است که تأثیر قرآن، زمینه‌ساز طبع آزمایی وی شده و در جای جای مقامات خود از الفاظ و مفاهیم آیات قرآن و احادیث سود جسته است.

۱. ابن فهد حلبی، حسن التوسل الى صناعة التوسل، ۳۲۳.

۲. حلبی، تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی، ۶۸.

۳. آلن، بینامتنیت، ۱۱.

۴. فوکو، «نقد چیست؟»، ۴۱.

۵. رضائی حمزه‌کندی، الشعر العربی وشعراؤه فی آذربایجان، ۳۵.

۶. شمیس، کلیات سبک‌شناسی، ۷۷.

۷. خطیبی، فن نثر در ادب پارسی، ۲۰۱.

از آنجاکه مفاهیم والای قرآنی زیربنای فکری ادب حریری را تشکیل داده‌اند، مضامین بلند و اخلاقیات انسان‌ساز این کتاب آسمانی مایه معنوی مقامات وی شده است. پژوهش پیش‌رو درصدد پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر است:

آیات قرآن چگونه و به چه هدفی در مقامات حریری بازتاب یافته‌اند؟

تصاویر برگرفته از قرآن در مقامات حریری چه کارکردی دارند؟

بسامد کدام شیوه‌های اثرپذیری از قرآن کریم در مقامات حریری بیشتر است؟

در خصوص پیشینه پژوهش باید گفت: پژوهش‌های متعددی در ارتباط با کارکرد آیات قرآن و احادیث در متون ادبی صورت گرفته است اما این امر در ارتباط با مقامات حریری مورد بی‌مهری پژوهشگران واقع شده است، اگرچه در ارتباط با بازتاب الفاظ و معانی قرآنی در مقامات یادشده پژوهش‌هایی به انجام رسیده است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

شاملی، نصرالله و زهرا قاسم‌نژاد، (۱۳۸۹)، «اقتباسات قرآنی در مقامات حریری»، مجله زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا، سال ۱، شماره ۲؛ نگارندگان صرفاً به استخراج اشارات قرآنی در برخی از مقامه‌های حریری و نیز همسانی یا عدم همسانی آن‌ها با آیات و احادیث از نظر معنایی پرداخته‌اند و تبیین و تحلیل این تأثیرپذیری، شیوه و کارکرد آن از سوی آن‌ها مغفول مانده است.

امیدوار، احمد، مجتبی محمدی مزرعه‌شاهی، مجید مهدوی، (۱۳۹۴)، «تناسق قرآنی در مقامات حریری؛ مطالعه موردی در مقامه السمرقندیه و الرازیه»، دو فصلنامه عیون، سال دوم، شماره ۲. مهم‌ترین دستاورد پژوهش مذکور حاکی از آن است که واضح‌ترین شکل بینامتنی قرآن با دو مقامه السمرقندیه و الرازیه، به صورت نفی متوازی یا امتصاص صورت گرفته است.

این پژوهش می‌تواند از آن‌رو که به واکاوی تأثیرپذیری حریری از کتاب آسمانی و احادیث و نقش آن‌ها در تزیین کلام و غنی‌ساختن نثر در دو حوزه معنایی و ادبی اهتمام می‌ورزد، از سایر پژوهش‌های پیشین که ابعاد دیگری از مقامات وی را کاویده‌اند یا تنها به ذکر نمونه‌های اندکی از بازتاب آیات قرآن و احادیث بدون ذکر کاربرد آن‌ها پرداخته‌اند، متمایز شود.

۱. شیوه‌ها و گونه‌های اثرپذیری حریری از آیات قرآنی و احادیث

جست‌وجوها در زمینه تأثیرپذیری ادیبان از مفاهیم والای قرآن و احادیث حاکی از آن است که شیوه استفاده آن‌ها از مفاهیم یادشده یکسان نیست، بلکه صور کاربرد و میزان استفاده در دیوان هر شاعر متغیر

است.^۸ برخی، اقتباس‌های قرآنی را به سه قسم دسته‌بندی کرده‌اند: مقبول و مباح و مردود.^۹ مراد از اقتباس مقبول آن است که در خطبه‌ها و موعظه‌ها و عهود و نعت حضرت رسول(ص) و امثال آمده و مقصود از مباح آن است که در غزل، رسایل و قصه‌ها آمده باشد اما نوع مردود بر دو قسم است: اول، آن چیزی است که خدای تعالی آن را به ذات خود نسبت داده باشد و شخص آن را برای خود نقل کند؛ دوم اینکه، آیه کریمه برای هزل به کار گرفته شود.^{۱۰} حریری در چهل و یک مقامه از مجموع پنجاه مقامه خویش به طور مستقیم یا غیرمستقیم از آیات قرآنی و احادیث تأثیر پذیرفته و در این راه متونی آفریده است که ارتباط واضحی با آیات الهی و احادیث دارد و نمونه بارز و ثمره این تأثیرپذیری هاست، زیرا گفته‌اند: الثَّمَرَةُ تُبْنَىٰ عَنِ الشَّجَرَةِ.^{۱۱} در این پژوهش، روش کار مبتنی بر دو شیوه است: در شیوه نخست، آیات و احادیث در دو سطح ارتباط لفظی و معنوی و در شیوه دوم، با عنوان انواع اثرپذیری بررسی می‌شوند و در هر بخش، تحلیل انجام می‌گیرد.

۲. بررسی تأثیرپذیری حریری از آیات و احادیث در سطح سنتی و مرسوم

۲.۱. ارتباط لفظی آیات و احادیث

حریری در این سبک، عین آیه مدّنظر یا بخشی از آن را در میان سخن و کلام خود قرار داده و به تبیین مفهوم و موضوع مدّنظر می‌پردازد که با آیه نیز در ارتباط است.

أ. پیوستن آیات و احادیث به متن بی‌هیچ فاصله: در این شیوه، اتصال آیات و اخبار به رشته نثر بدون هرگونه فاصله یا واژه‌ای که عبارت عربی را از نثر اصلی متمایز نشان دهد، صورت می‌پذیرد، چنان‌که گویی ترکیب اقتباس شده، ادامه عبارت عربی است. نمونه‌های به‌کاربرده شده، یا در همان معنا و مفهوم قرآن به کار رفته‌اند یا نویسنده، آن‌ها را با هدفی متفاوت از هدف قرآن در سیاق و بافت کلام به کار گرفته است.^{۱۲}

۱. در مقامه «صنعاّتیة»، ابوزید در لباس مسافری فقیر با یادآوری روز قیامت به سرزنش نمازگزاران می‌پردازد. راوی پس از اتمام نماز به تعقیب ابوزید می‌پردازد و او را در کوهستان همراه یکی از همراهانش در حال نوشیدن شراب می‌بیند و می‌گوید: «...فَقُلْتُ لَهُ: يَا هَذَا اَيُّكُونُ ذَاكَ خَبَرَكَ وَهَذَا مَخْبَرَكَ؟ فَزَفَرَ زَفْرَةً

۸. رسمی، نوای غیب در پرده راز، ۱۷۹.

۹. سیوطی، الإقتان فی علوم القرآن، ۲۹۷/۱.

۱۰. فندی، دایرة المعارف الاسلامیة، ۶۸۱/۳.

۱۱. محقق، تحلیل اشعار ناصر خسرو، ۷۱.

۱۲. خطیبی، فن نثر در ادب پارسی، ۲۰۱.

الْقَيْظُ وَكَادَ يَتَمَيَّزُ مِنَ الْغَيْظِ»^{۱۳}

در متن یادشده حریری بخشی از آیه ۸ سوره ملک «تَكَادُ تَمَيَّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ» را بی هیچ فاصله‌ای پس از استفهام انکاری آورده است. این اقتباس که با واژه «الغیظ» پایان می‌پذیرد با قرارگرفتن در برابر واژه مانند «القیظ» افزون بر ایجاد موسیقی بیرونی، خالق آرایه جناس ناقص اختلافی شده است.

۲. در مقامه «تفلیسیه»، ابوزید در هیئت انسان فقیر، بر راوی و عده‌ای از یارانش که در بیابان در حال اداکردن فریضه نماز بودند وارد می‌شود و برای طلب کمک به شرح مصیبت‌های زندگی خویش می‌پردازد: «... قَالَ: يَا أُولَى الْأَبْصَارِ الرَّامِقَةِ وَالْبَصَائِرِ الرَّائِقَةِ أَمَا يُغْنِي عَنِ الْخَبَرِ الْعَيَانُ وَيُنْبِئُ عَنِ النَّارِ الدُّخَانُ؟»^{۱۴}

در متن یادشده، عبارت «أَمَا يُغْنِي عَنِ الْخَبَرِ الْعَيَانُ» با اختلاف اندکی از سخن مشهور رسول اکرم (ص) گرفته شده است. رشیدالدین میبدی در «کشف الأسرار و عده الأبرار» در ذیل تفسیر آیات ۱۴۵-۱۵۴ سوره اعراف می‌گوید: «سعیدبن جبیر از ابن عباس روایت کرده است که پیامبر اکرم (ص) فرموده است: «لَيْسَ الْخَبَرُ كَالْمُعَانِيَةِ، أَخْبَرَ اللَّهُ مُوسَى أَنَّ قَوْمَهُ قَدْ ضَلُّوا بَعْدَهُ فَلَمْ يَلْقَ الْأَوَاحِ، فَلَمَّا عَايَنَهُمْ أَلْفَاهَا فَكَسَرَ مِنْهَا مَا كَسَرَ»^{۱۵} در عبارت یادشده، حریری مفهوم عبارت اقتباس شده از حدیث پیامبر (ص) را بدون هیچ فاصله‌ای از متن اصلی خویش ذکر کرده است تا آنجا که تفکیک آن‌ها از یکدیگر دشوار است؛ زیرا در عبارت پیش از اقتباس، دو واژه «الأبصار و البصائر» ارتباط معنایی تنگاتنگی با مفهوم اقتباس شده دارند.

ب. پیوستن آیه و حدیث به نثر به صورت نقل قول: در این سبک، آیات و احادیث به شیوه نقل قول مستقیم در پی جملات می‌آیند و مانند جملات معترضه از قابلیت حذف برخوردارند:

۱. در مقامه «برقیعدیه»، قهرمان داستان در هیئت شیخی کور همراه همسرش از نمازگزاران روز عید فطر طلب کمک می‌کند. همسرش برگه‌هایی حاوی اشعاری در وصف اوضاع و شرایط بدشان در بین نمازگزاران پخش می‌کند، وقتی که پیرزن از دریافت کمک‌های مردمی مأیوس می‌شود، برگه‌ها را به شیخ بر می‌گرداند. در این زمان شیخ می‌گوید: «... فَقَالَ: إِنَّا لِلَّهِ وَأَفْوَضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»^{۱۶}

حریری از بخش‌هایی از آیات ۱۵۶ سوره بقره «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» و ۴۴ سوره غافر «فَسْتَذْكُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ وَأَفْوَضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» به شیوه نقل قول و

۱۳. شریشی، شرح مقامات الحریریة، ۵۱/۱-۵۲.

۱۴. شریشی، شرح مقامات الحریریة، ۷/۳.

۱۵. میبدی، کشف الأسرار و عده الأبرار، ۴۴/۳.

۱۶. شریشی، شرح مقامات الحریریة، ۱۹۴/۱.

پس از فعل (قال) در مفهومی موازی با نزول آیه؛ یعنی در معنای توکل بر خدا و سپردن سرانجام کارها بعد از تلاش و کوشش سود جسته است.

۲. در مقامه «قهقریه»، قهرمان داستان در رقابتی علمی با برخی از جوانان خردمند، از آنان می‌خواهد نامه‌ای بنویسند که اگر از انتها به ابتدا به صورت معکوس خوانده شود، دارای معنایی صحیح باشد: «...فاسْتَمَلُوا مِنِّي وَانْقُلُوا عَنِّي: الْإِنْسَانُ، صَنِيعَةُ الْإِحْسَانِ وَرَبُّ الْجَمِيلِ فَعِلُ النَّدْبِ وَشِمَّةُ الْحُرِّ ذَخِيرَةُ الْحَمْدِ»^{۱۷}

به نظر می‌رسد حریری عبارت یادشده را از این سخن حضرت علی (ع) وام گرفته است: «الإنسان عبْدُ الإحسان»^{۱۸} با توجه به نمونه مذکور می‌توان نتیجه گرفت که مشخصه بهره‌گیری از استناد به صورت نقل قول مستقیم، از وضوح بیشتری برخوردار است و حکم ضرورت را در انتخاب این نوع برای موقعیت‌های خاص حتمی می‌سازد.

ج. پیوستن آیه یا بخشی از آن به متن از طریق ترکیب‌سازی (اضافی و وصفی): در این سبک، آیه به منزله توضیح و استنادی برای سخن شاعر به شمار می‌رود و شاعر برای انتقال معنای مد نظر خویش، پیوستن آیه به شکل ترکیب‌های اضافی و وصفی را ترجیح می‌دهد.^{۱۹} در اینجا به نمونه‌هایی از این نوع اشاره می‌شود:

۱. در مقامه «معریه»، قهرمان داستان با پرسش بر قاضی خسیس معره به بهانه شکایت وارد می‌شوند و در نهایت، از او دینار و درهم دریافت می‌کنند و از مجلس شادمان خارج می‌شوند. قاضی از یکی از نگهبانانش می‌خواهد که آن دو را برگرداند؛ زیرا حس کرده آن‌ها افرادی شیاد هستند. هنگامی که نزد قاضی حاضر می‌شوند، قاضی به آن‌ها امان می‌دهد که راست بگویند: «...اقدم الشيخ و قال:

و إنما الدهرُ المُسَيءُ الْمُعْتَدِي مَالٍ بِنَا حَتَّى غَدَوْنَا نَجْتَلِي

كُلَّ نَدَى الرَّاحَةِ عَذْبِ الْمَوْرِدِ وَكُلَّ جَعْدِ الْكَفِّ مَغْلُولِ الْيَدِ»^{۲۰}

در شاهد یادشده، حریری واژه‌های قرآنی (یدک مغلوله) را که بخشی از آیه ۲۹ سوره اسراء «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا» است، به صورت عنصری دستوری در ترکیب

۱۷. شریشی، شرح مقامات الحريرية، ۴۶۱/۱.

۱۸. آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، حکمت ۲۶۳.

۱۹. علیخانی ثانی ابدالآبادی، میر، «شیوه‌های کاربرد آیات و احادیث در تاریخ جهانگشای جویی»، ۱۵۷.

۲۰. شریشی، شرح مقامات الحريرية، ۲۲۸/۱.

اضافه (مغلول الید) در مقامه خویش به کار برده است. حریری ترکیب مذکور را که دو مفعول فعل «جعل» در عبارت «لا تجعل یدک مغلولة» است به صورت وارونه و با تقدیم واژه «مغلول» بر «ید» در همان معنای کنایی بخیل به کار برده است. کارکرد آیه قرآنی یادشده در مقامات حریری، ادبی بلاغی است؛ به این صورت که حریری با ذکر ترکیبی قرآنی در میان مقامه خود ضمن استفاده از معنای آن، ذهن مخاطب را نیز به مفهوم آیه سوق داده است.

۲. در مقامه «سمرقندیّه» حریری، شاهد ترکیب سازی از نوع وصفی هستیم، آنجا که حریری از زبان ابوزید، قهرمان مقامات به عنوان تحمیدیه خطبه خویش در مسجد جامع می گوید: «...وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ. الْعَادِلُ الصَّمَدُ. لَا وَلَدَ لَهُ وَلَا وَالِدٌ»^{۲۱}

عبارت های یادشده، از آیات ۱-۳ سورة اخلاص اقتباس شده است. حریری در این متن از راه تعامل با واژگان سورة توحید و ایجاد تغییراتی اندک در آن ها به نقل کامل مضمون سورة اخلاص در متن خود اهتمام ورزیده است؛ به این ترتیب که جمله «هُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ» با آیه اول سورة «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» به طور مستقیم تعامل دارد و جمله «الْعَادِلُ الصَّمَدُ» با آیه دوم این سورة؛ یعنی «اللَّهُ الصَّمَدُ» در ارتباطی تنگاتنگ قرار دارد. حریری دو واژه «احد و الصمد» را به عنوان صفت برای موصوفات خویش از آیات یادشده اقتباس کرده است. افزون بر اقتباس مضمون و الفاظ، صاحب مقامه از اقتباس موسیقایی نیز بهره برده است و موسیقی متن خود را با به کار بردن کلماتی چون احد و صمد هماهنگ با موسیقی سورة مبارکه توحید قرار داده تا خواننده را در فضایی قرآنی و معنوی قرار دهد.

۲.۲. کیفیت ارتباط معنوی آیات

در این سبک، با انواع تازه ای برخورد می کنیم که هدف از آن ها، تنها اخبار و آگاهی و نقل قول نیست، آن چنان که در بخش کاربرد لفظی آیات بدان گریز زده شد؛ بلکه آیات جنبه استشهاد، تأکید، ارسال المثل، توصیف و... دارند و حریری این شیوه ها را به عنوان اداتی مؤثر برای محقق ساختن هدف یا تأیید در بیان موضوعی به کار می گیرد.

أ. **تتمیم و تکمیل:** در این نوع که بالاترین حد تناسب و ظرافت و دقت در فن اقتباس قلمداد می شود، آیات و احادیث نه تنها از نظر لفظ، بلکه از نظر معنا نیز با اتساق و اتصال کامل در ادامه متن اصلی آورده می شود.^{۲۲} ابن رشیق قیروانی در کتاب «قُرَاضَةُ الذَّهَبِ فِي أَشْعَارِ الْعَرَبِ» می گوید: «منبع و مصدر هر گفتاری، گفتار پیش از آن است، حتی اگر کشف روابط بین متون و وابستگی های متنی کاری آسان نباشد،

۲۱. شریقی، شرح مقامات الحریریة، ۳۳۶/۲.

۲۲. خطیبی، فن نثر در ادب پارسی، ۱۲۷.

به هر شکل سخن از سخن می‌آید، هرچند که راهش پنهان و رابطه‌اش دور باشد.^{۲۳}

۱. حریری در مقامه «طبیّة» شیوه تّمیم و تکمیل را از زبان راوی مقامات حارث بن همام در جمع حج‌گزاران بنی‌شبهه که به منظور زیارت آرامگاه پیامبر (ص) قصد رفتن به مدینه النبی را داشتند، به کار برده است، آنجا که می‌گوید: «حکى الحارث بن همام قال: أجمعت حين قضيت مناسك الحج وأقمّت وظائف العجّ والنّجّ».^{۲۴}

حریری به منظور تّمیم و تکمیل کلام خویش تعاملی آگاهانه با متن غایب پیامبر (ص) برقرار ساخته و الفاظ خود را بدون هیچ مکث یا اختلاف معنایی به متن خویش وصل کرده است. صحیح ترمذی می‌گوید: «أن رسول الله (ص) سُئِلَ: أَيُّ الْحَجِّ أَفْضَلُ؟ قَالَ: الْعَجُّ وَالنَّجُّ».^{۲۵} بنابراین، از آنجا که فضای متن یادشده توصیف حج‌گزاران است؛ بهره‌گیری از مضمون و لفظ حدیث با حال و هوای مقامه هماهنگی تام دارد. حریری با اقتباس عین عبارت و قراردادن آن در آخر جملات متن خود و برقراری سجع، موسیقی کم‌نظیری را ایجاد کرده است.

۲. در مقامه «حلوانیّة» پس از آنکه ابوزید مهارت ادبی خود را با شعرخوانی به منظور پاسخ‌گفتن به یکی از شاعران فصیح حاضر در مجلس آشکار می‌سازد و حاضران را به شگفت می‌آورد و خود را سراینده آن شعر معرفی می‌کند، حاضران با ناباوری به او می‌نگرند و او شک‌و‌تردیدشان را با ذکر بخشی از یک آیه قرآنی برطرف می‌سازد. راوی، صحنه یادشده را این‌گونه به تصویر می‌کشد: «...فتوجّس ما هجّس فی أفکارهم وفطنَ لما بطنَ من استنکارهم وحاذَرَ أن یفرطَ إلیه دَمٌّ أو یلحقَه وسمٌ فقرأ: إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ».^{۲۶} حریری در متن یادشده، بخشی از آیه ۱۲ سوره حجرات «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ» را به‌عنوان تّمّه و تکمله کلام خویش آورده است؛ زیرا او از چهره‌های بهت‌زده آنان دریافت که نسبت به سخنان او شک‌و‌تردید دارند، لذا این آیه را به‌عنوان رفع سوء تفاهم پیش‌آمده بیان کرد.

ب. تشبیه و تمثیل، ارسال المثل یا مثل: تصویرپردازی‌هایی از قبیل تشبیه، تمثیل، ارسال المثل و... در قرآن از بسامد فزاینده‌ای برخوردار است. گاهی اقتباس با صنعت ارسال المثل همراه می‌شود و در این صورت باید آن را جزو صنایع بدیعی شمرد و این همراهی اغلب در جایی است که مثل مشهور یا شبه‌مثل را

۲۳. قیروانی، قراضة الذهب فی اشعار العرب، ۸۳.

۲۴. شریشی، شرح مقامات الحریریة، ۴۳۱/۲.

۲۵. ترمذی، صحیح الترمذی، ۸۲۷.

۲۶. شریشی، شرح مقامات الحریریة، ۷۴/۱.

اخذ کرده باشند، خواه این مثل یا شبه مثل از آیات قرآنی و احادیث باشد یا غیر از آن.^{۲۷} هدف از کاربرد این نوع تصویرپردازی‌ها، به شکل آیات در عبارات ادبی در اکثر کتب بلاغی و صور خیال از آن‌ها یاد شده است:

۱. در مقامه «حلوانیه» قهرمان داستان در جواب یکی از ادیبان حاضر در مجلس که به شیوایی شعری سروده و حاضران را به شگفت آورده بود، شعری می‌خواند و همه را مجذوب خود می‌کند و خود را سراینده آن معرفی می‌کند. حاضران که ناباورانه به وی نگاه می‌کنند و درصدد امتحان او بر می‌آیند فوراً آنچه را که از وی طلب می‌کنند، بیان می‌دارد. حریری اجابت سریع ابوزید را به چشم برهم‌زدنی تشبیه کرده است: «...فَلَمْ يَكُنْ إِلَّا كَلَمَحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ.»^{۲۸}

متن یادشده به آیه ۷۷ سوره نحل «وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمَحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» اشاره دارد و اینکه خداوند عالم غیب است و انجام کارهای شگرف ازسوی او در چشم برهم‌زدنی ممکن می‌شود. در عبارت فوق، بر توانایی ابوزید در شعرسرایی در سریع‌ترین وقت ممکن تأکید شده است. حریری با تشبیه زیبای سرعت بداهه‌گویی‌اش به لمح بصر، تصویرپردازی شفاف‌تری را در سخن به کار برده است.

۲. در مقامه «اسکندرانیّه» وقتی که ابوزید و همسرش برای رفع اختلاف زناشویی بر حاکم اسکندرانیّه وارد می‌شوند، ابوزید با سرودن اشعاری خود را شاعری معرفی می‌کند که کلمات را چون در به هم متصل می‌کند و زیباترین اشعار را می‌سراید. راوی که خود یکی از حاضران مجلس است ابوزید را شناسایی می‌کند اما رازش را پنهان می‌کند: «...قال الراوی: ثم أشفقت من عثور القاضي على بُهتانه وتزويق لِسانه فلا يرى عند عرفانه أن يرشحه لإحسانه فأحجمت عن القول إجمام المُرتاب وطويت ذكركه كطوى السجل للكتاب.»^{۲۹}

«كَطَوَّى السَّجِلَ لِلْكِتَابِ» اشاره به آیه ۱۰۴ انبیاء «يَوْمَ تُطَوَّى السَّمَاءُ كَطَوَّى السَّجِلِ لِلْكِتَابِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ» است که در آن حریری پنهان‌ساختن اسرار را به پیچاندن نوشته‌ها توسط کاغذ تشبیه کرده است، این در حالی است که پروردگار این تشبیه را برای مقرب‌ساختن تصویر قیامت و پیچانده‌شدن آسمان ذکر کرده بود.

ج. توصیف یا تشریح معنای قبل: در این نمونه، عبارت قرآنی یا بخشی از حدیث در پی عبارات

۲۷. رسمی، نوای غیب در پرده راز، ۲۸۱.

۲۸. شریشی، شرح مقامات الحریری، ۸۱/۱.

۲۹. شریشی، شرح مقامات الحریری، ۲۵۳/۱.

اصلی می‌آید و به توصیف آن می‌پردازد. گاهی هدف فقط توضیح کلمه‌ای از عبارت پیشین است، گاه تشریح عبارتی و گاه توصیف شخصیتی است. در این شیوه، بیشترین اهدافی که با آن همراه است معمولاً به قصد استناد و استشهاد، تبیین و توضیح یا تعلیل و توجیه است.^{۳۰}

۱. در مقامه «طبییه»، راوی مقامات حارث بن همام برای توصیف و تشریح معنای جملات خویش حدیثی را از رسول اکرم (ص) اقتباس کرده و در مقامه خویش گنجانده است، آنجا که به توصیف مصاحبت و همراهی خویش با «قوم بنی شیبیه» هنگام رفتن به مدینه می‌پردازد: «...أَنْ أَقْصِدَ طَبِيبَةً مَعَ رُفْقَةٍ مِنْ بَنِي شَيْبَةَ لِأَزْوَرِ قَبْرِ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى وَ اخْرُجَ مِنْ قَبِيلٍ مِنْ حَجٍّ وَ جَفَا.»^{۳۱}

حریری در متن یادشده مفهوم حدیث پیامبر (ص) را با هدف توصیف ادامه سفر خویش و همراه شدنش با قوم «بنی شیبیه» آورده است. قسطلانی در کتاب «المَوَاهِبُ اللَّدْنِيَّةُ» بعد از نقل روایت «مَنْ حَجَّ الْبَيْتَ وَ لَمْ يَزُرْنِي فَقَدْ جَفَانِي» می‌نویسد: تأمل در فقره «فَقَدْ جَفَانِي» این را می‌رساند که ظهور در حرمت ترک زیارت دارد. زیارت واجب است؛ زیرا از بین بردن جفا واجب است، پس کسی که امکان زیارت ایشان را داشته باشد، جفا کرده است.^{۳۲}

۲. در مقامه «مراغیه» که راجع به فصاحت و بلاغت پیشینیان است، فردی از حاضران مجلس از میان جمع بر می‌خیزد و می‌گوید: که مدت یک سال است که حاکم از او تقاضا کرده رساله‌ای در مدحش بنگارد که یکی از کلمات آن نقطه‌دار و دیگری بدون نقطه باشد، اما نه خود توانسته مطلبی بنویسد و نه توانسته کسی را بیابد که این کار را انجام دهد و شیخ را مخاطب قرار می‌دهد: «...فَإِنْ كُنْتَ صَدَعْتَ عَنْ وَصْفِكَ بِالْيَقِينِ، فَأَتِ بِآيَةٍ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ.»^{۳۳}

حریری در متن یادشده بخشی از آیه ۱۵۴ سوره شعراء «مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا فَأْتِ بِآيَةٍ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ» را برای توصیف و تشریح معنای جمله قبل می‌آورد، بدین گونه که از ابوزید می‌خواهد برای اثبات ویژگی‌های خود، که همان برخورداری از فصاحت و بلاغت است، نشانه‌ای بیاورد.

د. **تنظیر یا تأکید و تأیید معنای قبل:** هدف در این شیوه، تأکید و تأیید سخن است. بنابراین، آنچه در قالب آیه یا حدیث در نثر قرار می‌گیرد، در ادامه معنای سخن می‌آید و آن را با تکرار لفظ مؤکد می‌کند.^{۳۴}

۱. در مقامه «نصیبیه»، راوی مقامات به همراه برخی از دوستان ابوزید سروجی به منظور عیادت

۳۰. علیخانی ثانی ابدالآبادی، میر، «شیوه‌های کاربرد آیات و احادیث در تاریخ جهانگشای جوینی»، ۱۵۹.

۳۱. شریشی، شرح مقامات الحریری، ۴۳۱/۲.

۳۲. قسطلانی، المَوَاهِبُ اللَّدْنِيَّةُ بِالْمَنْحِ الْمَحْمُودَةِ، ۴۰۴/۳.

۳۳. شریشی، شرح مقامات الحریری، ۱۶۵/۱.

۳۴. علیخانی ثانی ابدالآبادی، میر، «شیوه‌های کاربرد آیات و احادیث در تاریخ جهانگشای جوینی»، ۱۶۰.

ابوزید که در بستر بیماری افتاده بود، راهی منزلش می‌شوند. ابوزید که به‌تازگی از بند بیماری جان‌کاه رهایی یافته بود، از عیادت‌کنندگان تقاضا کرد که تا مدت زمان بیشتری را نزد وی بمانند و از این طریق روحیه وی را تقویت کنند و هنگامی که خواب نیمروزی فرا می‌رسد از آنان می‌خواهد از این لحظه ناب، نهایت استفاده را برای رفع خستگی ببرند: «...قال: إِنَّ النَّعَاسَ قَدْ أَمَالَ الْأَعْنَاقَ وَرَاوَدَ الْأَمَاقَ وَهُوَ خَصِمٌ أَلَدُّ وَخِطْبٌ لَا يَرُدُّ فَصِلُوا حَبْلَهُ بِالْقِيلُولَةِ وَاقْتَدُوا فِيهِ بِالْآثَارِ الْمَنْقُولَةِ».^{۳۵}

حریری در متن یادشده با ذکر واژه «قیلوله» به معنای خواب نیمروز، از عیادت‌کنندگان درخواست خوابیدن می‌کند و برای اینکه سخن خود را تأکید کند، از عبارت «واقْتَدُوا فِيهِ بِالْآثَارِ الْمَنْقُولَةِ» بهره می‌جوید تا با یادآوری حدیث پیامبر (ص) «قِيلُوا فَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَا تُقِيلُ»^{۳۶} اهتمام و توجه آن‌ها را در این زمینه جلب کند.

۲. در مقامه «ساویة» قهرمان بر جنازه مرده‌ای در قبرستان وارد می‌شود و به ملامت و موعظه تشییع‌کنندگان می‌پردازد. آنان در ظاهر می‌گیرند اما در باطن در اندیشه اموال میت هستند و گمان می‌کنند مرگ به سراغشان نمی‌آید. حریری پندوانداز قهرمان را این‌گونه به تصویر می‌کشد: «...وَتَقَشُّمُ بِسَلَامَةِ الذَّاتِ أَوْ تَحَقِّقْتُمْ مُسَالَمَةَ هَادِمِ اللَّذَاتِ كَلَّا سَاءَ مَا تَتَوَهَّمُونَ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ!».^{۳۷}

در متن استشهدشده، حریری آیه ۴ سوره تکوین «ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ» را به‌عنوان تأیید و تأکید معنای جمله قبل؛ یعنی «كَلَّا سَاءَ مَا تَتَوَهَّمُونَ» ذکر کرده است تا پندوانداز خویش را با آیه‌ای از آیات قرآن کریم خاتمه داده باشد و ذهن و قلب او را به سرانجام و عاقبت کارها سوق دهد و حس کنجکاوی و عبرت‌پذیری او را برانگیزاند.

۳. در مقامه «رازیه»، قهرمان مقامات ابوزید در مقام تأیید سخنان راوی که وی را به صداقت در گفتار و اعمال مشهور عام و خاص می‌داند، این‌گونه سخن به میان می‌آورد:

«...عَلَيْكَ بِالصِّدْقِ وَلَوْ أَنَّهُ أَحْرَقَكَ الصِّدْقُ بِنَارِ الْوَعِيدِ»^{۳۸}

به نظر می‌رسد بیت یادشده برگرفته از کلام امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه باشد که در آن ضرورت التزام به صداقت، ایمان معرفی شده است: «الْإِيمَانُ أَنْ تُؤْثِرَ الصِّدْقَ حَيْثُ يَضُرُّكَ عَلَى الْكَذِبِ حَيْثُ يَنْفَعُكَ».^{۳۹}

۳۵. شریعی، شرح مقامات الحریری، ۷۶/۲.

۳۶. ابن‌بابویه، کتاب من لا یحضره الفقیه، ۵۰۳/۱.

۳۷. شریعی، شرح مقامات الحریری، ۳۱۹/۱.

۳۸. شریعی، شرح مقامات الحریری، ۱۲۱/۲.

۳۹. شریف رضی، نهج البلاغه، حکمت ۴۵۸.

۳. انواع اثرپذیری در مقامات حریری

۳.۱. اثرپذیری تلمیحی

تلمیح در لغت، مصدر باب تفعیل است از اصل «لمح»، به معنای جستن برق^{۴۰} و در اصطلاح علم بدیع، اشاره به قصه یا آیه یا شعر یا مثل سائر است، به شرطی که آن اشاره چنان که از معنایش بر می آید تمام داستان یا شعر یا مثل سائر را در بر نگیرد. از این رو، برای درک بیت یا عبارتی که حاوی تلمیح است می باید داستان یا شعر یا مثل سائر مورد اشاره را به تمامی دانست.^{۴۱} در این شیوه از تأثیرپذیری، گوینده، خواننده اهل و آشنا را به آنچه خود بدان نظر داشته، راه می نماید و وی را به کندوکاو و پرس و جو وامی دارد. تفاوت آشکار اثرپذیری تلمیحی با الهامی-بنیادی نیز در همین نکته است. این نشانه و اشاره، بیشتر یادکرد پاره ای از واژه های ویژه آیه یا حدیث است.^{۴۲}

۱. در مقامه «کوفیه»، راوی مقامه به گفت و گویی اشاره می کند که میان ابوزید، قهرمان مقامات و میزبانی جوان رخ می دهد. ابوزید در این مقامه از فرط خستگی و گرسنگی در پی مکانی برای استراحت است و در پی یافتن میزبانی است تا نیازهایش را برطرف سازد. میزبان در آن گفت و گو با ذکر ابیاتی که دال بر اهمیت مهمان نوازی در دین اسلام است و به داستان حضرت ابراهیم (ع) به عنوان پایه گذار میزبانی تلمیح شده است، عدم مهمان نوازی خویش را با ذکر دلایلی چون فقر و نداری توجیه می کند:

«...و حُرْمَةُ الشَّيْخِ الَّذِي سَنَّ الْقَرَى وَأَسَسَ الْمَحْجُوجَ فِي أُمِّ الْقَرَى»^{۴۳}

متن یادشده به داستان بنا و ساخت کعبه توسط حضرت ابراهیم (ع) اشاره دارد. هدف این تلمیح، یادآوری اهمیت جایگاه و منزلت مهمان داری در اسلام و نزد مسلمانان است.

۲. در مقامه «بصریه» نیز حریری از زبان راوی در وصف قهرمان مقامات ابوزید سروجی به یکی از شخصیت های قرآنی؛ یعنی حضرت یعقوب (ع) که در فراق فرزندش حضرت یوسف (ع) بسیار گریست، به شیوه اثرپذیری تلمیحی اشاره می کند: «...أَخَذَ يَهْنِمُ بِدَرَسِهِ وَ يَسْبِكُ يَوْمَهُ فِي قَالِبِ أَمْسِهِ وَ فِي ضِمْنِ ذَلِكَ يَرْنُ إِرْنَانَ الرَّقُوبِ وَ يَبْكِي وَ لَا بُكَاءَ يَعْقُوبَ.»^{۴۴}

در متن یادشده، حریری برای بزرگ نمایی در توصیف گریه ابوزید به مقایسه گریه وی با گریه حضرت یعقوب (ع) در هجران فرزندش یوسف (ع) پرداخته و گریه قهرمان را سوزناک تر از یعقوب دانسته است.

۴۰. شمس قیس، المعجم فی معاییر اشعار العجم، ۳۷۷.

۴۱. شمس، فرهنگ تلمیحات، ۹.

۴۲. راستگو، تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، ۳۴.

۴۳. شریقی، شرح مقامات الحریریة، ۱۴۵/۱.

۴۴. شریقی، شرح مقامات الحریریة، ۴۷۷/۳.

۳.۲. اثرپذیری تطبیقی

در این شیوه اثرپذیری که از یک دیدگاه به اثرپذیری تأویلی نزدیک است، حریری آیه را بر موردی ویژه که به ظاهر چندان با هم پیوندی ندارند تطبیق می‌دهد، بی‌آنکه معنای ظاهری و اصلی آن را نقد ورد یا تأویل و توجیه کند. در این شیوه معمولاً معنای اصلی آیه را در نظر نمی‌گیرند و همین مهم‌ترین تفاوت تأویل با تطبیق است؛ یعنی تأویل یا گونه‌ای چاره‌جویی است برای به‌دست آوردن معنایی خردپسند و دل‌چسب از آیه یا حدیثی که پذیرش معنای ظاهری آن دور و دشوار است یا گونه‌ای ژرف‌کاوی است برای راهپایی به لایه‌های درونی آیه یا حدیث، حتی آنجا که پذیرش معنای ظاهری نیز هیچ دور و دشوار نباشد، اما تطبیق، نه چاره‌جویی است و نه حتی ژرف‌کاوی و باطن‌پژوهی؛ بلکه گونه‌ای نکته‌پردازی و ذوق‌انگیزی است برای پیوند دادن دو چیز و تطبیق یکی از آن‌ها با دیگری؛ دو چیزی که به ظاهر با هم پیوندی ندارند؛ نظیر پیوندهای تشبیهی و تمثیلی که میان دو چیز برقرار می‌شود.^{۴۵} در اینجا به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

۱. در مقامه «اسکندرانیة» که موضوعش مراجعه ابوزید و همسرش نزد حاکم اسکندرانیه به منظور قضاوت و داوری میان آن‌هاست، پس از رفتن آن دو از پیش حاکم، حاکم آرزو می‌کند که ای کاش آن‌ها بار دیگر باز می‌گشتند تا آن‌ها را به شکل دیگری مورد اکرام و احترام قرار می‌داد. راوی این صحنه را این گونه روایت می‌کند: «... فَقَالَ لَهُ الْقَاضِي: أَمَا إِنَّهُ لَوْ حَضَرَ لَكُنْفَى الْحَذَرِ، ثُمَّ لَأَوَّلَيْتُهُ مَا هُوَ بِهِ أَوْلَى وَلَا رَيْتُهُ أَنَّ الْآخِرَةَ خَيْرٌ لَهُ مِنَ الْأُولَى.»^{۴۶}

در متن فوق که برگرفته از آیه چهارم سوره ضحی «وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى» است، نکته‌پردازی و ذوق‌انگیزی حریری به منظور پیوند دادن عطای مادی دوم با آخرت جاودان و همیشگی، کاملاً هویداست. وی عطای دوم را که به ظاهر چندان ربط واضح و ملموسی با آخرت ندارد برای آنکه متفاوت‌تر از عطای اول نشان دهد، از راه ذوق ادبی به تطبیق پرداخته است تا بدین گونه گیرایی متنش را دوچندان سازد.

۲. در مقامه «ساویة»، قهرمان مقامات ابوزید خطاب به تشیع‌کنندگان در قبرستان در باب موعظه و نصیحت سخنان ارزشمندی می‌گوید تا آن‌ها را از سرگرم شدن به امور دنیوی دور سازد و توجه و اهتمام آن‌ها را به سرای آخرت جلب سازد:

«...وَضَحِكْتُمْ عِنْدَ الدَّفْنِ وَلَا ضَحِكْتُمْ سَاعَةَ الرَّفْنِ وَتَبَخَّرْتُمْ خَلْفَ الْجَنَائِزِ وَلَا تَبَخَّرْتُمْ يَوْمَ قَبْضِ

۴۵. راستگو، تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، ۶۰.

۴۶. شریشی، شرح مقامات الحریریة، ۲۵۴/۱.

الجوائز»^{۴۷}

در متن یادشده، عبارت «وَصَحَّحْتُمْ عِنْدَ الدَّفْنِ» یادآور حدیثی از پیامبر خدا(ص) است که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كَرِهَ لِي سِتَّ خِصَالٍ وَكَرِهْتَنِّي لِأَوْصِيَائِي مِنْ وَلَدِي وَاتِّبَاعِهِمْ مِنْ بَعْدِي، الْعَبَثُ فِي الصَّلَاةِ وَالزَّفْتُ فِي الصَّوْمِ وَالْمَنُّ بَعْدَ الصَّدَقَةِ وَإِتْيَانُ الْمَسْجِدِ جُنُبًا وَالتَّطَلُّعُ فِي الدَّوْرِ وَالضَّحْكُ بَيْنَ الْقُبُورِ»^{۴۸}

اثرپذیری حریری از این حدیث پیامبر اکرم(ص) در مقامه یادشده، از نوع تطبیقی است؛ زیرا پیامبر(ص) حدیث مذکور را برای برشمردن احکام مکروه و نهی شده ازسوی خداوند برای مسلمان ذکر کرده است، درحالی‌که حریری معنای ظاهری و اصلی حدیث فوق را بدون آنکه نقد یا رد و تأویل کند، بر موردی ویژه در مقامه خود تطبیق داده است. حریری در این مقامه، خندیدن در قبرستان را به‌عنوان یکی از نشانه‌های افراد متکبر و مغرور و بی‌توجه به آخرت آورده است، اما در حدیث یادشده خندیدن به‌دلیل آنکه ممکن است سبب رنجش خاطر بازماندگان متوفا شود یا نوعی بی‌احترامی به انسان مرده تلقی شود، ازسوی خداوند مکروه اعلام شده است.

۳.۳. اثرپذیری واژگانی

الفاظ، ماده اولیه‌ای است که هر ادیبی می‌تواند با آن تصور خود را از هستی ارائه دهد، در واقع نسبت ادیب به واژگان، همانند نقاش به رنگ است و همان‌گونه که هنرمند با دسترسی به رنگ و استفاده از هنر و زبردستی خود می‌تواند تابلوواژه‌ای زیبا را بیافریند، نویسنده و شاعر نیز با استفاده ادیبانه از واژگان می‌تواند متنی زیبا را خلق کنند.^{۴۹} حریری در به‌کارگیری پاره‌ای از واژه‌ها و ترکیب‌ها و امدها و امدها و ترکیب‌هایی را در مقامات خویش می‌آورد که ریشه قرآنی دارند. اثرپذیری واژگانی در مقامات حریری به دو شیوه صورت می‌گیرد: وام‌گیری و برابرسازی.

أ. وام‌گیری: در این شیوه، واژه یا ترکیبی از قرآن یا حدیث با همان ساختار عربی خود، بی‌هیچ دگرگونی یا با اندک دگرگونی لفظی یا معنوی بی‌آنکه ساختار عربی آن آسیبی ببیند به متن راه می‌یابد.^{۵۰}

۱. در مقامه «رملیة»، اثرپذیری واژگانی از نوع وام‌گیری وجود دارد. برای مثال، حریری از زبان فهرمان مقامات خود، ابوزید سروجی خطاب به کاروان حجاج در مقام پندواندرز می‌گوید:

۴۷. شریعی، شرح مقامات الحریری، ۳۱۸/۱.

۴۸. حر عاملی، وسائل الشیعة، ۲۰۹/۲.

۴۹. مرتاض، «فكرة الشرقات الأدبية نظرية التناس»، ۳۷۰.

۵۰. راستگو، تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، ۱۵-۱۶.

«...و بادِرِ الْمَوْتِ بِالْحُسْنَى تَقَدَّمُهَا فَمَا يُنْهَنَّهُ دَاعِيَ الْمَوْتِ إِنْ فَاجَا»^{۵۱}

در اینجا، حریری از حادثه هولناک قیامت سخن به میان می‌آورد و بحث مذکور را با آوردن این سخن از حضرت علی (ع) «بَادِرُوا الْمَوْتَ الَّذِي إِنْ هَرَبْتُمْ مِنْهُ أَذْرَكَكُمْ وَإِنْ أَقَمْتُمْ أَخَذَكُمْ وَإِنْ نَسِيتُمْوهُ ذَكَرَكُمْ»^{۵۲} که اشاره به قیامت است، یادآور می‌شود. عبارت یادشده با اندک تغییری که عبارت است از تبدیل صیغه جمع مذکر غائب به مفرد مذکر مخاطب با هدف هشدار دادن به مخاطب از وقوع چنین حادثه‌ای در آینده‌ای نزدیک، به بهترین شکل، وام‌گیری واژگانی را امکان‌پذیر ساخته است.

در عبارت یادشده، حریری با صراحت نهی نکرده است؛ بلکه شنونده و خواننده را از حوادث پر هول و هراس قیامت ترسانده و برحذر داشته است. به عبارت دیگر، آنچه که در این عبارت مطرح شده است، نیازمند استدلال و شرح و تفسیر نیست؛ زیرا مخاطب در حقیقت موضوع تردیدی ندارد و استشهاد و تمسک‌گوینده به آیه بیشتر برای آن است که پرهیز او را در زمینه سهل‌انگاری تقویت کند. حریری افزون‌بر اقتباس واژگانی، از درون‌مایه نیز بهره برده است، وی با یادآوری قیامت و پایان‌پذیرفتن این دنیای فانی، خواننده را در فضایی معنوی قرار می‌دهد و او را به فکرکردن در اعمال و رفتار خود وامی‌دارد.

۲. حریری در مقامه «رازیة» از زبان ابوزید که در حال نصیحت‌کردن است، از حارث، راوی مقامات می‌خواهد تا طالب رضای حق تعالی باشد و نادان‌ترین مردم را کسی می‌داند که مولای خود را به خشم آورده و در پی جلب رضایت مردم باشد:

«...وَابِغِ رِضَى اللَّهِ فَأَغْبَى الْوَرَى مَنْ أَسْخَطَ الْمُؤَلَى وَأَرْضَى الْعَبِيد»^{۵۳}

بیت یادشده از سخن حضرت علی (ع) در نهج البلاغه اقتباس شده که فرموده است: «وَلَا تُسْخِطِ اللَّهَ بِرِضَا أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ»^{۵۴}

در وام‌گیری فوق، حریری فعل نهی «لا تسخط» را با اندکی تغییر به صورت فعل ماضی «اسخط» و واژه «رضا» را که مجرور به حرف جر «ب» است به صورت فعل ماضی «ارضی» و معطوف بر «اسخط» آورده است.

ب. **برایندسازی:** در این شیوه، واژه یا ترکیبی بی‌آنکه خود به صورت واژه یا ترکیب در قرآن یا حدیث آمده باشد، بر پایه مضمون آیه، حدیث یا داستان قرآنی-حدیثی ساخته می‌شود؛ به دیگر سخن، چنین واژه یا

۵۱. شریفی، شرح مقامات الحرییه، ۴۱۹/۲.

۵۲. شریف رضی، نهج البلاغه، حکمت ۲۰۳.

۵۳. شریفی، شرح مقامات الحرییه، ۱۲۲/۲.

۵۴. شریف رضی، نهج البلاغه، نامه ۲۷.

ترکیبی، برابند و فراورده‌ای است از آیه یا حدیث.^{۵۵}

۱. حریری در مقامه «صعديه» در زمینه دعوت به صبر سروده است:

«...و اصبر على ما ناب من فاقة صبر أولي العزم و أغمض علية»^{۵۶}

۲. و نیز در مقامه «نصيبه» سروده است:

«...فَاصْبِرْ إِذَا مَا نَابَ رَوْعٌ فَالزَّمانُ أَبُو الْعَجَبِ»^{۵۷}

به نظر می‌رسد ابیات فوق ناظر بر این سخن حضرت علی (ع) هستند که صبر را قادر بر دورکردن اندوه‌ها می‌داند: «اطْرَحْ عَنْكَ وَارِدَاتِ الْهَمِّ بِعَزَائِمِ الصَّبْرِ»^{۵۸} در بیت‌های یادشده، حریری ترکیب «أولى العزم» و جمله اسمیه «الزمان أبو العجب» را به شیوه برابندسازی بر پایه مضمون کلام امیرالمؤمنین (ع) ساخته است.

۳. حریری در مقامه «سمرقندية» و ضمن گفت‌وگویی که از زبان قهرمان و در زمینه توجیه مکر و نیرنگ، میان راوی و قهرمان رخ می‌دهد، مخاطب را به مدارا کردن با مردم و صبر بر اخلاق ایشان دعوت می‌کند و عاقل را کسی می‌داند که اهل مدارا باشد:

«...و اصبر على خُلُقِ مَنْ تُعَاشِرُهُ وَ دَارِهِ فَاللَّيْبُ مَنْ دَارَى»^{۵۹}

بیت یادشده به نظر می‌رسد که از سخن امام علی (ع) گرفته شده باشد که در بیانی شخص مداراکننده را حکیم می‌شمارد: «لَيْسَ الْحَكِيمُ مَنْ لَمْ يُدَارَ مَنْ لَا يَجِدُ بُدًّا مِنْ مُدَارَاتِهِ»^{۶۰}

حریری در بیت یادشده فعل ماضی اشباع‌شده «دارا» را که از کلام امام و واژه «مداراة» مصدر باب مفاعله گرفته شده، از طریق برابندسازی در بیت خویش به کار برده است. افزون‌بر این، حریری واژه «لبيب» به کاررفته در بیت خویش را جانشین «حکیم» موجود در کلام امام (ع) ساخته است.

۳. ۴. اثرپذیری الهامی بنیادی

در این شیوه، حریری پایه سخن خویش را از آیه الهام می‌گیرد و سروده خویش را بر آن نکته الهام گرفته بنیاد می‌نهد و سخنی می‌پردازد که آشنایان، آن را با آیه یا حدیثی در پیوند می‌بینند، پیوندی گاه تا آنجا

۵۵. راستگو، تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، ۱۸.

۵۶. شریعی، شرح مقامات الحریری، ۸۹/۳.

۵۷. شریعی، شرح مقامات الحریری، ۸۲/۲.

۵۸. شریف رضی، نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۵۹. شریعی، شرح مقامات الحریری، ۳۵۰/۲.

۶۰. مجلسی، بحار الأنوار، ۵۷/۷۵.

نزدیک و آشکار که سخن را ترجمه‌ای خیلی آزاد (مضمون‌گیری) از آیه و حدیث نشان می‌دهد و گاه چنان دور و پنهان که پذیرش اثرپذیری را دشوار می‌سازد.^{۶۱} ازجمله موضوعات مهمی که در مقامات بسیار الهام‌آور حریری ذکر شده، یاد مرگ است.

۱. حریری در مقامات خویش به مرگ پیش از فرارسیدن موعد آن دعوت می‌کند. او در مقامه «بصریه» و از زبان ابوزید در نصیحتش به حارث، راوی مقامات، از وی می‌خواهد تا مرگ را نصب‌العین خود قرار دهد: «...فَقَالَ: اجْعَلِ الْمَوْتَ نُصْبَ عَيْنِكَ، وَ هَذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَ بَيْنِكَ.»^{۶۲} به نظر، بیت یادشده الهام‌گرفته از این سخن حضرت علی (ع) است که می‌فرماید: «فاحذروا عباد الله الموت وَ قُرْبَهُ وَ اَعِدُّوا لَهُ عِدَّتَهُ فَإِنَّهُ يَأْتِي بِأَمْرٍ عَظِيمٍ.»^{۶۳}

۲. حریری در مقامه «صعديه» از زبان راوی مقامات حارث بن همّام که در جست‌وجوی سرآمد مردم در نیکی و خیرات است توسط مردم شهر صعده سر از قاضی شهر در می‌آورد، حارث آن قاضی را که همان ابوزید سروجی، قهرمان مقامات است، این‌گونه توصیف می‌کند: «...فَنُفِعَتِ لِي قَاضٍ بِهَا رَحِيْبُ الْبَاعِ خَصِيْبُ الرَّبَاعِ تَمِيْمِيُّ النَّسَبِ وَالطَّبَاعِ فَلَمْ أَزَلْ أَتَقَرَّبُ إِلَيْهِ بِالْإِلْمَامِ وَاتَّقَفُّ عَلَيْهِ بِالْإِجْمَامِ حَتَّى صِرْتُ صَدَى صَوْتِهِ وَسَلْمَانَ بَيْتِهِ.»^{۶۴} حریری در متن یادشده، عبارت «سلمان بیه» را از راه الهام از این حدیث مشهور پیامبر اکرم (ص) اقتباس کرده است که فرموده است: «سلمان مَثَا اهل البيت.»^{۶۵}

۳. ۵. اثرپذیری گزارشی

حریری گاه تحت‌تأثیر متنی از آیه قرار می‌گیرد و مانند تأثیرپذیری واژگانی، منحصر به واژه‌ای خاص نمی‌شود. این نوع تأثیرپذیری اشکال مختلفی دارد؛ گاه حریری مضمونی از آیه را به قلم خود گزارش می‌کند و گاه بدون هیچ کم‌وکاستی نقل می‌کند. در اثرپذیری گزارشی، حریری مضمون آیه را به شیوه تفسیر گزارش می‌کند. در این شیوه، حریری آیه یا مضمون آن را باز می‌گشاید، می‌گسترده و با شرح و بسط در سخن خویش می‌آورد.^{۶۶} در ذیل به نمونه‌ای از این کاربست اشاره می‌شود:

۱. حریری در یکی از ابیات زیبای مقامه «ساویّه»، مرگ را یادآور می‌شود و به شیوه جان‌بخشی به اشیای بی‌جان از انسان می‌پرسد: مگر مرگ تو را صدا نزده و صدایش را به گوشت نرسانده است:

۶۱. راستگو، تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، ۴۷.

۶۲. شریفی، شرح مقامات الحریری، ۴۷۷/۳.

۶۳. شریف رضی، نهج البلاغه، نامه ۲۷.

۶۴. شریفی، شرح مقامات الحریری، ۸۱/۳.

۶۵. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۴۲۷/۲.

۶۶. راستگو، تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، ۳۸.

«...أَمَّا نَادَىٰ بِكَ الْمَوْتُ أَمَّا أَسْمَعَكَ الصَّوْتُ

أَمَّا تَخْشَىٰ مِنَ الْمَوْتِ فَتَحْتَاطُ وَتَهْتَمُ»^{۶۷}

به نظر می‌رسد حریری در بیت مذکور به سخن حضرت علی(ع) نظر داشته و آن را به صورت تقریر و گزارش در شعر خویش ذکر کرده است؛ زیرا حضرت یاد مرگ را فراهم کردن توشه و انجام نیکی‌ها به شمار می‌آورد: «وَمَنْ ارْتَقَبَ الْمَوْتَ سَارَعَ إِلَى الْخَيْرَاتِ».^{۶۸}

۲. حریری در بیتی دیگر از همان مقامه، رسیدن مرگ به انسان را قطعی می‌داند:

«...فَتُتْلَىٰ كَمَنْ اغْتَرَّ بِأَفْعَى تَنْفُ السَّمِّ

وَحَفْضٌ مِنْ تَرَاكِيكٍ فَإِنَّ الْمَوْتَ لَا فَيْكِ»^{۶۹}

به نظر می‌رسد بیت فوق را حریری از این سخن حضرت علی(ع) که می‌فرماید: «وَأَنْتُمْ طُرْدَاءُ الْمَوْتِ إِنْ أَقَمْتُمْ لَهُ أَخَذَكُمْ وَإِنْ فَرَرْتُمْ مِنْهُ أَذْرَكَكُمْ وَهُوَ أَلْزَمُ لَكُمْ مِنْ ظِلِّكُمْ الْمَوْتُ مَعْقُودٌ بِنَوَاصِيكُمْ»،^{۷۰} اخذ کرده و به صورت تقریر و گزارش در مقامه خود گنجانده است.



۶۷. شریعی، شرح مقامات الحریریة، ۳۲۰/۱.

۶۸. شریف رضی، نهج البلاغه، حکمت ۳۱.

۶۹. شریعی، شرح مقامات الحریریة، ۳۲۶/۱.

۷۰. شریف رضی، نهج البلاغه، نامه ۲۷.

بسامد سوره های قرآنی در مقامات حریری



نتیجه گیری

از جمله اصلی ترین کارکردهای آیات قرآنی و حدیثی در مقامات حریری، کارکرد ادبی-بلاغی است؛ یعنی حریری با رویکردی ادبی، آیات قرآن را برای زیبایی بیشتر مقامات خود به کار می برد و از این طریق به بلاغت مقامات خود می افزاید. افزون بر این، بهره گیری از مقولات یادشده، به مقامات او عمق و عظمت بخشیده و سبب ماندگاری آنها شده است. تأثیرات حریری از محتوای قرآن و احادیث، غنابخش مقامات او شده است. همین غنای اندیشه، از محاسن نثر او به شمار می رود اما اصالت زیباشناختی نثر حریری در کنار آیات صرفاً مدیون محتوا نیست؛ بلکه حریری برای غنای محتوا از عنصر تلمیح سود می جوید و اندیشه زیبا در کنار این عنصر زیباشناختی، اصالت سبکی زیباشناختی ادبیات قرآنی او را رقم می زند.

زبان مقامات او سرشار از تصویرهای خیال انگیز مثل تشبیه، استعاره، مجاز و... است. حریری با تکیه بر همین قدرت تصویرسازی ادیبانه، مضامین قرآنی را با مهارت خاصی در مقامات خود منعکس کرده است. گاهی اوقات ترکیباتی از قرآن را در مقامات خود می آورد تا علاوه بر تزیین و تجمیل کلام خود، بر غنای معنایی و ادبی آن بیفزاید. این شگرد در مقامات وی بسامد بالایی دارد و حریری از این طریق ضمن یادآوری آیه و اقتباس از آن، دست به ترکیب سازی می زند.

او به شیوه های متفاوتی از قرآن تأثیر پذیرفته است. وی برای نفوذ سخن خود، گاه بخشی از آیه یا حدیث و گاه معنا و مفهوم آنها را در مقامات خود ذکر کرده است و گاهی نیز سخن او به آیه یا قصه ای از

قرآن تلمیح دارد. تأثیر آیات قرآن در مقامات حریری، هم در حوزه معنایی و هم در حوزه بلاغی و آراستن کلام ادبی دیده می‌شود. اثرپذیری تلمیحی، اثرپذیری تطبیقی، اثرپذیری واژگانی با هر دو نوع آن؛ وام‌گیری و برابندسازی، اثرپذیری الهامی-بنیادی و اثرپذیری گزارشی بیشتر مدنظر حریری بوده است.

منابع

قرآن کریم

- آن، گراهام. بینامتنیت. ترجمه پیام یزدانجو. تهران: مرکز، ۱۳۸۰.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد. غرر الحکم و درر الکلم. به تصحیح مصطفی درایتی. قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۶.
- ابن بابویه، محمد بن علی. کتاب من لا یحضره الفقیه. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
- ابن فهد حلبی، محمود بن سلیمان. حسن التوسل الی صناعة الترسيل. قاهره: چاپخانه الوهیبیة، ۱۸۲۸م.
- ترمذی، محمد بن عیسی. صحیح الترمذی. به تصحیح و تنظیم احمد محمد شاکر. قاهره: دار الحديث، ۱۴۱۹ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن. وسائل الشیعة. قم: آل‌البیت (ع)، ۱۳۶۷.
- حلبی، علی اصغر. تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی. تهران: اساطیر، چاپ چهارم، ۱۳۸۵.
- خطیبی، حسین. فن نثر در ادب پارسی. تهران: سخن، ۱۳۷۴.
- راستگو، محمد. تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی. تهران: سمت، ۱۳۸۳.
- رسمی، سکیته. نوای غیب در پرده راز. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۰.
- رضائی حمزه‌کندی، وحید. الشعر العربی و شعراؤه فی آذربایجان. ارومیه: بوتا، ۱۳۸۹.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. الإیتقان فی علوم القرآن. به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. قم: شریف الرضی، ۱۴۱۴ق.
- شریف رضی، محمد بن حسین. نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی. ناشر: محمد امین، ۱۳۹۵.
- شریشی، احمد بن عبدالمؤمن. شرح مقامات الحریریة. ثلاثة اجزاء. بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۹۹۸م.
- شمس قیس، محمد بن قیس. المعجم فی معاییر اشعار العجم. تهران: علم، ۱۳۸۸.
- شمیسا، سیروس. فرهنگ تلمیحات. تهران: میترا، ۱۳۸۶.
- شمیسا، سیروس. کلیات سبک‌شناسی. تهران: میترا، ۱۳۸۲.
- طبرسی، فضل بن حسن. مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: اعلمی، ۱۴۱۵ق.
- علیخانی ثانی ابدالآبادی، فاطمه، محمد میر. «شیوه‌های کاربرد آیات و احادیث در تاریخ جهانگشای جوینی». متن پژوهی ادبی. س ۲۰، ش ۶۹ (۱۳۹۵): ۱۵۳-۱۸۰. 10.22054/LTR.2016.6845

- فندی، محمدثابت. دایرة المعارف الإسلامية. قاهره: بی نا، ١٩٤٤م.
- فوکو، میشل. «نقد چیست؟». فصلنامه ارغنون. ترجمه محمدسعید حنايي کاشانی. ش ١٥ (١٣٨٣): ٢٣١-٢٥٨.
- قسطلانی، احمدبن محمد. المواهب اللدنیة بالمنح المحمدیة. بیروت: دار الکتب العلمیة، ٢٠٠٨م.
- قیروانی، حسن بن رشیق. قراضة الذهب فی نقد اشعار العرب. به تحقیق بویحیی شاذلی. تونس: الشركة التونسية للتوزيع، ١٩٧٢م.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار ائمة الأطهار (ع). بیروت: دار احیاء التراث العربی، ١٤٠٣ق.
- محقق، مهدی. تحلیل اشعار ناصر خسرو. تهران: دانشگاه تهران، ١٣٤٤.
- مرتاض، عبدالملک. «فكرة السرقات الأدبية و نظرية التناص». مجلة علامات فی النقد. جده: التادی الأدبی الثقافی. (١٩٩١م): ٦٩-٩٢.
- میبدی، احمدبن محمد. کشف الأسرار و عدة الأبرار. تهران: امیرکبیر، چاپ پنجم، ١٣٧١.

Transliterated Bibliography

Qurān-i Karīm.

- ‘Alī Khānī Thānī Abdāl Ābādī, Fāṭimah, Muḥammad Mīr. “Shīvih-hā-yi Kārbudr Āyāt va Ahādīs dar Tārīkh-i Jahāngushāy Juvaynī”. *Matn-pazhūhī Adabī*. yr. 20, no. 69 (2017/1395): 153-180.
- Allen, Graham. *Binā Mataniyyat*. Translated by Payām Yazdānjū. Tehran: Markaz, 2002/1380.
- Āmidī, ‘Abd al-Wāḥid ibn Muḥammad. *Ghurār al-Ḥikam va Durar al-Kalim*. Ed. Muṣṭafā Dirāyatī. Qum: Maktab al-A‘lām al-Islāmī, 1988/1366.
- Fandī, Muḥammad Thābit. *Dā‘ira al-Ma‘ārif al-Islāmiyya*. Cairo: s.n. 1944/1323.
- Foucault, Michel. “Naqd Chist?”. *Faṣṣnāmih-yi Arghanūn*, Translated by Muḥammad Sa‘īd Ḥanāyī Kāshānī. No. 15 (2005/1383): 231-258.
- Ḥalabī, ‘Alī Aṣghar. *Tāṣīr Qurān va Ḥadīth dar Adab Fārsī*. Tehran: Asāṭī, Chāp-i Chāhārum, 2007/1385.
- Ḥurr ‘Āmilī, Muḥammad ibn Ḥasan. *Wasā’il al-Shī‘a*. Qum: Āl al-Bayt (AS), 1989/1367.
- Ibn Bābawayh, Muḥammad ibn ‘Alī. *Kitāb Man Lā Yaḥḍuruh al-Faqīh*. Qum: Mū’assisa al-Nashr al-Islāmī, Chāp-i Duwwum, 1993/1413.
- Ibn Fahd Ḥalabī, Maḥmūd ibn Sulaymān. *Husn al-Tawassul ilā Shī‘a al-Tarassul*. Cairo: Chāpkhānah-yi al-Wahbiya, 1828/1206.
- Khaṭībī, Ḥusayn. *Fan-i Naṣr dar Adab Pārsī*. Tehran: Sūkhan, 1996/1374.
- Majlisī, Muḥammad Bāqir ibn Muḥammad Taqī. *Biḥār al-Anwār al-Jāmi‘a li-Durar Akhbār A’imma al-*

- Aṭḥār(AS)* Beirut: Dār Ihyā' al-Tūrāth al-‘Arabī. 1983/1403.
- Maybudī, Aḥmad ibn Muḥammad. *Kashf al-Asrār wa ‘Udda al-Abrār*. Tehran: Amīr Kabīr. Chāp-i Panjum, 1993/1371.
- Muḥaqqiq, Maḥdī. *Tahlīl Ash‘ār Nāṣir Khusrū*. Tehran: University of Tehran, 1926/1344.
- Murtād, ‘Abd al-Malik. “Fikra al-Saraqāt al-Adabiya wa Nazariya al-Tanāṣṣ”. *Majala ‘Alāmāt fi al-Naqd*. Jadda: al-Nādī al-Adabī al-Thaqāfi, (1991/1411): 69-92.
- Qaṣṭallānī, Aḥmad ibn Muḥammad. *al-Mawāhib al-Laduniyah bi-al-Minaḥ al-Muḥammadīyah*. Dār al-Kutub al-‘Ilmiyya. 2008/1429.
- Qayrawānī, Ḥasan ibn Rāshiq. *Qurāda al-Dhabab fi Naqd Ash‘ār al-‘Arab*. researched by Abū Yahyā Shādhilī. Tūnis: al-Shirka al-Tūnisiya li-l-Tawzī‘, 1972/1350.
- Rasmī, Sakīnah. *Navāy Ghayb dar Pardih-yi Rāz*. Tehran: Markaz Bāzshināsi Islām va Irān, 2002/1380.
- Rāstgū, Muḥammad. *Tajālī Qurān va Ḥadīth dar Shi‘r-i Fārsi*. Tehran: Samt, 2005/1383.
- Rizāyī Ḥamzih Kandī. Vahīd. *al-Shi‘r al-‘Arabī va Shu‘arāhu fi Āzarbijān*. Urūmiyih: Būtā, 2011/1389.
- Shamīsā, Sīrūs. *Farhang-i Talmīḥāt*. Tehran: Mitrā, 2008/1386.
- Shamīsā, Sīrūs. *Kuliyāt Sabkshināsi*. Tehran: Mitrā, 2004/1382.
- Shams Qays, Muḥammad ibn Qays. *al-Mu‘jam fi Ma‘ayir Ash‘ār al-‘Ajam*. Tehran: ‘Ilm, 2010/1388.
- Sharīf al-Raḍī, Muḥammad ibn Ḥusayn. *Nahj al-Balāghah*. Translated by Muḥammad Dashtī. Nāshir: Muḥammad Amīn, 2017/1395.
- Sharishī, Aḥmad ibn ‘Abd al-Mu‘min. *Sharḥ Maqāmāt al-Ḥarīriyah*. Thalātha Ajzā’. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyya, 1998/1376.
- Suyūtī, ‘Abd al-Raḥmān ibn abī bakr. *al-Itqān fi ‘Ulūm al-Qurān*. researched by Muḥammad Abū al-Faḍl Ibrāhīm. Qum: Sharīf al-Raḍī, 1993/1414.
- Ṭabarsī. Faḍl ibn Ḥasan. *Majma‘ al-Bayān fi Tafsīr al-Qurān*. Beirut: A‘lami. 1994/1415.
- Tirmidhī, Muḥammad ibn ‘Īsā. *Ṣaḥīḥ al-Tirmidhī*. researched by Aḥmad Muḥammad Shākir, Cairo: Dār al-Ḥadīth, 1998/1419.